



۷



۴

چای چایخانه امام حسین (ع) مزه دیگری دارد

گزارشی از مراسم چایی بریزی و چایی بده

مجلس روضه امام حسین (ع) در یزد

ادامه صفحه ۶



در این مکان توقف نکند

گزارشی از عدم توجه مردم به توقف خودرو در جایگاه پارک ویژه معلولین

شده و مسئولان شهری آن شهر تا چه حد در این زمینه موفق عمل کرده‌اند. شهر یزد هم از زمانی که به عنوان پایلوت شهر دسترس پذیر در کشور معرفی شده است، سعی دارد تا با اجرای طرح‌های مختلف از جمله «جشنواره گردشگری معلولین» و طرح جدید «هفت‌خوان»، هدف دسترس پذیر کردن معابر شهری برای گروه‌های مختلف جامعه را محقق سازد ولی نکته‌ای که در این میان، قابل تامل است این که تنها مناسب سازی نمی‌تواند باعث شود تا معلولان و کم‌توانان مانند افراد دیگر جامعه از امکانات شهری بهره ببرند و باید در راستای اقدامات سخت‌افزاری، اقداماتی فرهنگی نیز صورت پذیرد.

ادامه صفحه ۵

روزی به نام ادبیات نوپای کودک

مریم دره شیری

در تقویم رسمی کشور، روز هجده تیرماه به عنوان روز ادبیات کودک و نوجوان نامگذاری شده است. سال ۸۸ بود که برای اولین بار روز هجدهم ماه تیر را به نام روز ادبیات کودک و نوجوان نامگذاری کردند تا هم سالروز فوت مهدی آذر یزدی گرامی داشته شود و هم توجه‌ها به ادبیات کودک و نوجوان معطوف شود.

اینکه مهدی آذر یزدی، پایه گذار نوشتن برای کودکان در کشور است را نمی‌توان انکار کرد اما اینکه این نامگذاری تا چه حد توانسته در ارتقای ادبیات کودکان موثر باشد، جای تامل دارد.

واقعیت این است که اگر مشکلات ادبیات کودک در کشور را با سال ۸۸ مقایسه کنیم، تقریباً مشکلات به جای خود پارچاست و این حوزه همچنان محجور باقی مانده است. به باور کارشناسان، یکی از مشکلات اصلی در این حوزه، ضعف و سستی کلام، در مضامین قصه‌ها و اشعار کودکان است. شاید به همین دلیل است که ناشران بیشتر به چاپ کتاب‌های ترجمه علاقه مند هستند زیرا این نوع کتاب‌ها، مخاطبان بیشتری دارند و مخاطب بیشتر برای یک ناشر، به معنای سود بیشتر است.

تصویرگری حرفه‌ای، خلاقیت‌های به کار گرفته شده در کتاب‌ها، مضامینی که از منابع روانشناسی موثق تهیه شده، همه و همه باعث می‌شوند کودکان و والدین آن‌ها، این نوع کتاب‌ها را برای مطالعه ترجیح دهند و طبیعتاً کتاب‌های ترجمه شده در این زمینه بر کتاب‌های داخلی ارجح است. واقعیت این است که ادبیات کودک در کشور چندین قدم از کتاب‌های خارجی عقب تر است و کتاب‌های داخلی هنوز با مضامین تکراری و گاهی با محتوای آبکی منتشر می‌شود که به هیچ وجه پاسخگوی دوره رشد و نیازهای کودکان نیستند و چاپ آنها تنها برای رفع تکلیف انجام شود.

در اینکه ایرانی‌ها، آدم‌های کتاب‌خوانی هستند، جای بحثی وجود ندارد اما این مهم است که بتوانیم با انتشار کتاب‌های تاثیر گذار برای کودکان، این زنجیره معیوب را قطع و نسلی کتابخوان که با کتاب بزرگ شوند، را تحویل جامعه بدهیم. هنر مهدی آذر یزدی در این بود که دغدغه‌های زمان خود را به زیبایی به تصویر می‌کشید و با زبان ساده و رسا هر آنچه کودک زمان خودش نیاز داشت، را در قالب قصه در می‌آورد. هنری که امروزه کمتر کسی به آن توجه دارد در حالی که محتوای بسیار قوی در ادبیات کهن کشور وجود دارد که با بازنویسی آن می‌توان کتاب‌هایی با محتوای تاثیر گذار تولید کرد.

ادامه صفحه ۷

مهتاب دره شیری

"مناسب سازی و دسترس پذیر بودن شهر" برای معلولین یکی از برنامه‌هایی است که همیشه در دستور کار مسئولین قرار دارد ولی هیچ‌گاه به مرحله اجرا در نمی‌آید و گاهی هم در مرحله عمل تنها با حذف چند پله و ایجاد رمپ‌های غیر استاندارد، خاتمه می‌یابد. در واقع مناسب سازی، اصلاح محیطی است که افراد معلول قادر باشند، در محیط پیرامون خود، آزادانه و بدون خطر، رفت و آمد کنند و از تسهیلات اجتماعی، فرهنگی و ... با حفظ استقلال فردی، بهره مند شوند. با این تعریف ساده هر فردی می‌تواند قضاوت کند که هر شهری تا چه اندازه در زمینه مناسب سازی گام برداشته

برگزاری آزمون استخدامی ویژه افراد دارای معلولیت



علی محمد قادری، رئیس سازمان بهزیستی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری با بیان اینکه تعهد اشتغال سازمان بهزیستی در سال ۱۴۰۱ حدود ۶۳ هزار شغل بوده است گفت: خوشبختانه ما در مجموعه بهزیستی از مرز ایجاد ۸۷ هزار شغل در سال گذشتیم.

قادری با اشاره به وجود تسهیلیگری برای تأمین شغل معلولان گفت: حدود ۵۰۰ تسهیلگر محلی داریم که روند اشتغالزایی افراد معلول را بهبود می‌بخشند. همچنین معافیت مالیاتی را برای جذب افراد معلول داریم. بر اساس ماده ۲۴ قانون حمایت از افراد دارای معلولیت اگر کارفرمایی کارگاه و مجموعه خود را برای افراد دارای معلولیت تجهیز، توسعه و مناسب سازی کند؛ جزو عملکرد قابل قبول مالیاتی اش محسوب می‌شود. در برخی موارد جبران کارایی پرداخت می‌کنیم و در برخی موارد دیگر ۲۳ درصد بیمه کارفرمایی از سوی بهزیستی پرداخت می‌شود؛ این موارد موجب شده است که خوشبختانه سازمان بهزیستی عملکرد مناسبی را در زمینه اشتغال داشته باشد.

رئیس سازمان بهزیستی با اشاره به برگزاری آزمون اختصاصی برای جذب افراد دارای معلولیت گفت: خوشبختانه توانستیم مجوز جذب سه هزار و ۸۰۰ نفر را از سازمان اداری و استخدامی کشور دریافت کنیم که ان شاء الله تا پایان سال بتوانیم یک آزمون اختصاصی برای جذب افراد دارای معلولیت در همه دستگاه‌های کشور داشته باشیم.

محمود کریمی بیرانوند معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت کار نیز در این برنامه با بیان اینکه برنامه دولت سیزدهم ایجاد سالانه یک میلیون شغل است؛ گفت: هر ساله و در ابتدای سال، برنامه‌ریزی لازم انجام شده و تعهدات دستگاه‌ها و استان‌ها مشخص و توسط وزرای کار و کشور به استان‌ها ابلاغ می‌شود. تعهداتی را که امسال برای ایجاد اشتغال در کل کشور در نظر گرفتیم یک میلیون و ۸۸ هزار و ۶۰۹ فرصت شغلی است که بین

دستگاه‌ها در عمل به تعهدات اشتغالزایی گفت: به لحاظ تعداد فرصت‌های شغلی ایجاد شده وزارت صنعت معدن و تجارت تا امروز ۲۰ درصد از تعهد خود را انجام داده است. وزارت جهاد کشاورزی تا ۲۵ درصد و کمیته امداد امام خمینی پانزده درصد تعهدات خود را عملی کرده‌اند. سازمان بهزیستی ۲۳ درصد تعهد خود را عملی نموده است. بنیاد برکت بیش از ۱۵ درصد، بسیج سازندگی بیش از ۳۲ درصد و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای ۳۵ درصد اشتغالزایی داشتند. کریمی بیرانوند خاطر نشان کرد: سه استان قزوین، هرمزگان و بوشهر با ۴۲، ۴۰ و ۴۰ درصد بیشترین اشتغال ثبت شده را داشتند و سه استان اصفهان لرستان و گیلان با ۱۱، ۱۰ و ۱۳٫۵ درصد کمترین میزان اشتغال زایی را داشتند.

منبع: خبرگزاری مهر

۳۱ استان تقسیم شده است و استانداران در شورای اشتغال استان خود بین دستگاه‌های سطح استان تقسیم می‌کنند. کریمی بیرانوند افزود: تمامی برنامه‌های اشتغالی و رصد میزان پیشرفت برنامه‌ها در سامانه رصد اشتغال وزارت تعاون به صورت لحظه به لحظه و بر خط و به تفکیک استان و شهرستان مورد بررسی قرار می‌گیرد. گزارشی که آخرین لحظه از سامانه رصد گرفتیم نشان می‌دهد ما به ۲۴ درصد از تعهدات امسال خود رسیدیم. سال گذشته در همین زمان این عدد نوزده و نیم درصد بوده است و این موضوع نشان می‌دهد که برنامه‌های اشتغال زایی امسال از سال گذشته جلوتر است.

بهترین و بدترین استان‌ها در اشتغال زایی
معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت کار در خصوص بهترین

خبر

به مناسبت هفده مرداد روز خبرنگار، محمد دهقان مدیر عامل شرکت شهرک های صنعتی استان یزد به نمایندگی از استاندار یزد از دفتر ماهنامه آوای رسا (جامعه معلولین استان یزد) بازدید و از زحمات اعضای تحریریه این نشریه تجلیل کرد.

کیوسک



پیش از اعزام به مسابقات جهانی:

تجلیل از بانوی یزدی عضو تیم وزنه برداری جانبازان و معلولان



زهیر حاجی حسینی مدیرکل ورزش و جوانان استان یزد به همراه هاشمی معاون توسعه ورزش، آزاده دهقان معاون توسعه ورزش بانوان این اداره کل، حسینی دبیر و حیدری نایب رئیس بانوان هیأت جانبازان و معلولین استان با حضور در منزل مهدیه محمدیان ورزشکار یزدی عضو تیم ملی وزنه برداری جانبازان و معلولین از این بانوی ورزشکار تجلیل کردند. گفتنی است مهدیه محمدیان بانوی یزدی در اردوی تیم ملی حضور خواهد یافت و از ۲۷ مردادماه در ترکیب دو نفره تیم ملی در مسابقات قهرمانی جهان راهی امارات می شود. محمدیان از ورزشکاران یزدی است که شانس حضور در بازی های آسیایی هانگژو و پارالمپیک پاریس را دارد.

بمناسبت روز بهزیستی
غرفه ای بنام هیئت جانبازان و معلولین
در پارک آزادگان یزد برپا شد



تجلیل از ورزشکار جانباز و آزاده زارچ



به مناسبت گرامیداشت سالروز ورود آزادگان سرافراز به میهن اسلامی از علی اکبر شریفی جانباز و آزاده سرافراز شهرستان زارچ تجلیل شد. این مراسم به همت هیأت ورزش های جانبازان و معلولین شهرستان زارچ و با حضور سید کاظم حسینی دبیر هیئت استان، کاظم انتظاری رئیس هیئت ورزش جانبازان زارچ، حسین خوشنویس و ابراهیم اسدی اعضای هیئت رئیسه هیئت شهرستان زارچ برگزار شد.

غرفه ای بنام هیئت جانبازان و معلولین

ارائه توانمندی های ورزش جانبازان و معلولین در نمایشگاه ورزش

مدت چهار شب با حضور تعدادی از ورزشکاران برتر خود در رشته های مختلف به ارائه توانمندی ها و معرفی رشته های ورزشی خود پرداخت که مورد استقبال بی نظیر بازدیدکنندگان قرار گرفت.

در این نمایشگاه تعدادی از هیأت های برتر استان به معرفی توانمندی ها و دستاوردهای ورزشی خود پرداختند. هیأت ورزش های جانبازان و معلولین نیز از تاریخ ۱۳ لغایت ۱۶ تیرماه به



مریم یاورپور پس از کسب سهمیه پارالمپیک: استاندار یزد به قول هایش عمل نکرد

عاطفه ابراهیمی

مرداد ماه سال گذشته تیم ملی پاراتیرکمان ایران در مسابقات همبستگی کشورهای اسلامی نمایشی خیره کننده داشت. در میان اعضای تیم، مریم یاورپور با کسب سه مدال یکی از بهترین ورزشکاران این مسابقات بود. یاورپور متولد سال ۱۳۵۷ در شهر بایک است سال ۸۱ بر اثر سانحه تصادف ضایعه نخاعی و ویلچرنشین شد. او حالا سال هاست که ساکن یزد است و یکی از اعضای برجسته تیم ملی پاراتیرکمان ایران.

سال گذشته پس از درخشش در مسابقات قونیه با او درباره موفقیت هایش گفتگو کردم و او از عدم حمایت مسئولان کله مند بود. مردادماه امسال مریم یاورپور در رقابتهای جهانی پاراتیرکمان در جمهوری چک توانست سهمیه پارالمپیک پاریس را کسب کند با او درباره یک سال گذشته و اتفاقات پیش رو حرف زدیم.

خانم یاورپور در گفتگوی قبلی از عدم حمایت مسئولان صحبت کردید به گونه ای که شاید مجبور بشوید ورزش را کنار بگذارید طی این یک سال آیا حمایتی از شما انجام شد؟

سال ۱۴۰۰ استاندار یزد به من قول خرید کمان را دادند. قیمت کمان آن زمان ۱۲۰ میلیون بود و الان حدود ۳۰۰ میلیون تومان است. سال ۱۴۰۱ ایشان در جلسه ای گفتند قول سال گذشته را یادم هست و قول یک ویلچر را نیز دادند که حدود ۴ هزار دلار است. در این مدت بارها نامه نگاری کردم و فاکتور را به استانداری بردم ولی اتفاقی نیفتاد و باز هم مجبور شدم خودم تجهیزاتم را خریداری کنم. من در مسابقات قونیه با ۲ طلا و یک برنز، ورزشکار شاخص بین المپیکی ها و پارالمپیکی ها بودم اما حمایتی از من نشد. بعد از قهرمانی در مسابقات امارات نیز حمایتی ندیدم. با توجه به این شرایط تصمیم گرفته بودم ورزش را زیر نظر استان

دیگری کار کنم ولی مربی ام آقای کمالیان با من صحبت کردند و گفت فکر کمک گرفتن از استان یزد را کنار بگذار و شروع کن به تمرین و روی کار خودت تمرکز کن. من ورزشکارانی در رشته خود می شناسم که موفقیتی هم ندارند اما از ارگان های مختلف اسپانسر و کمک دارند. نمی دانم چرا در یزد حمایتی نمی شوم شاید من آن ارتباطاتی که لازم است را ندارم.

طی یک سال گذشته برنامه شما برای حضور در مسابقات بین المللی به چه صورت بود؟

مرداد ماه سال گذشته که از مسابقات قونیه برگشتم بعد از چند روز استراحت، برنامه ریزی کردم و از نیمه های شهریور تمرکز را روی کسب سهمیه گذاشتم. مرتب در اردو بودم و خوشبختانه توانستم سهمیه را بگیرم زیرا بزرگ ترین و سنگین ترین مسابقات کسب سهمیه مسابقه قهرمانی جهان است که تمام ورزشکاران قدر دنیا حضور دارند. با برنامه های فشرده تمرینی، غذایی، بدن سازی و روانشناسی که با همراهی بدون چشمداشت مربی ام صورت گرفت توانستم سهمیه را به دست آورم. من بسیاری از

گفتگو



ترین بازی های قاره ای است. نگرانی من کسب سهمیه بود که مرتفع شد الان دغدغه ام کسب مدال بازی های پارا آسیایی است. امیدوارم بتوانم به هدفم برسم و بعد به پاریس فکر می کنم.

تا یکسال آینده خودتان را کجای این ورزش می بینید.

از بهمن و اسفند ۱۴۰۰ که من در مسابقات امارات برنز گرفتم، جایگاه خودم را در این ورزش دیدم؛ ولی آنها که باید من را می دیدند و حمایت می کردند، ندیدند. در مسابقات همبستگی کشورهای اسلامی هم با سه مدال جایگاهم را شناختم و تثبیت کردم. می دانم توانایی زیادی دارم ولی بی انگیزگی من را به هم می ریزد. مربی ام آقای کمالیان و رئیس هیئت آقای کاظم پور به من انگیزه ای تزریق می کنند. ولی واقعیت این است در خصوص تجهیزات من واقعا مشکل دارم. ویلچر من در مسابقات شکست. اسفند ۱۴۰۱ آقای استاندار ویلچر من را دیدند و گفتند طی همین هفته ویلچر برای شما تهیه می شود. ماه ها از آن قول گذشته و من برای مسابقات چک، ویلچر قرض گرفتم. همه این ها انگیزه من را از بین می برد. رئیس هیئت به خاطر ویلچر من بسیار دوندگی کرد اما نتوانست حمایتی بگیرد. تنها جایی که من را حمایت کرد بهزیستی بود البته کمک آن ها جزئی است اما بهزیستی من را دید. هم تیمی های من که سهمیه المپیک گرفتند، از طریق شورای شهرهایشان حمایت شدند و جایزه گرفتند. استاندار با حواله ماشین به استقبالشان رفت، اما در یزد از این خیرها نیست.

اندوخته های خودم را در این راه خرج کردم و حتی مقروض شدم.

کمانداران و اعضای تیم ملی تیراندازی با کمان معلولان ایران بسیار با انگیزه هستند. از نظر فنی و همچنین تجهیزات چقدر با سایر کشورها فاصله داریم؟

تجهیزات ما از برندی است که تقریباً تمام ورزشکاران دنیا از همین برند استفاده میکنند. تفاوتش این است که در تیم ملی ایران، تنها منم که کمانش به روز نیست. سایر اعضا با کمک شهرداری و استانداری شهر و استان خودشان توانستند تجهیزات به روز داشته باشند. کمان من برای سال ۹۶-۹۷ هست. بقیه اعضای تیم دو کمان دارند ولی من یک کمان دارم. اگر در مسابقه مشکلی برای کمان من به وجود بیاید، کمان جایگزین ندارم و قطعاً مسابقه را از دست خواهم داد. متأسفانه کسی مشکلات من را نمی بیند.

برای حضور در پارالمپیک پاریس چه برنامه ای دارید.

طی دو سه ماه آینده بازی های پارآسیایی هانگژو را در پیش داریم و الان باید تمرینات را شروع کنم. بعد از آن باید برای پاریس برنامه ریزی کنم. در حال حاضر تمرکز روی بازی های آسیایی است که مهم

بهمن و اسفند ۱۴۰۰ که من در مسابقات امارات برنز گرفتم، جایگاه خودم را در این ورزش دیدم ولی آنها که باید من را می دیدند و حمایت می کردند، ندیدند. در مسابقات همبستگی کشورهای اسلامی هم با سه مدال جایگاهم را شناختم و تثبیت کردم. می دانم توانایی زیادی دارم ولی بی انگیزگی من را به هم می ریزد

در این مکان توقف نکنید

گزارشی از عدم توجه مردم به توقف خودرو در جایگاه پارک ویژه معلولین

ادامه از صفحه ۱

مehتاب دره شیبری

برایشان سخت می شود.

صادق پور در ادامه تصریح می کند: تعداد محل های ویژه پارک معلولین به نسبت یک درصد جمعیتشان، خیلی کمتر از یک درصد محلهای پارک اتومبیل در خیابان های شلوغ می باشد که لازم است مسئولین امر، حداقل سهمیه یک درصد را برای این قشر منظور کنند.

وی در پایان بیان می کند: تا زمانی که رسانه های جمعی به ویژه صدا و سیما در این زمینه فرهنگ سازی نکنند و برنامه هایی برای مشکلات معلولین ارائه نشود و عزم جدی در برخورد با تخلف افراد خاطی وجود نداشته باشد، وضع به همین منوال خواهد بود.

اگر تابلوها نمایشی است جمع شود

طیبه جلالپور یکی از معلولین یزدی است که بارها در شبکه های اجتماعی، عکسهایی مبنی بر اشغال بودن جایگاههای ویژه پارک معلولین با خودروهای غیر معلول را با مخاطبینش به اشتراک گذاشته است. وی در این خصوص، اعلام می کند: در هر کجای شهر، این تابلوی پارک ویژه معلولین را که نگاه کنید، زیرش خودرویی پارک شده که غیر معلول است. اگر قرار نیست بابت عدم توجه شهروندان به این تابلو، اقدامی صورت بگیرد، پس بهتر است این تابلوهای نمایشی جمع شود و اگر مسئولین، در کل این تابلوها را نمایشی گذاشته اند که حرفی نمی ماند و اگر این موارد قابل پیگیری است، چرا پلاک های غیر معلول راجریمه نمی کنند؟

جلالپور در ادامه تصریح می کند: اگر اطلاع رسانی و آگاهی مردم نسبت به این تابلوها کم است ضرورت دارد تا اطلاع رسانی بیشتر شود. به عنوان مثال اگر در کتاب های آیین نامه رانندگی این تابلو وجود ندارد، اضافه و ثبت و در مورد آن به افراد جوانی گواهینامه آموزش داده شود و همچنین آموزشگاه های رانندگی هنگام آموزش عملی به مراجعین، اهمیت این تابلو را یادآوری کنند.

به نظر می رسد بعضی از افراد جامعه بابت توجهی به خدماتی که برای رفاه حال معلولین در نظر گرفته شده، حقوق این قشر را تضییع

می کنند و لازم است تدابیری اندیشیده شود تا معلولین هم بتوانند از اندک مناسب سازی موجود در کشور استفاده کنند. با جستجویی در قوانین بین المللی راهنمایی و رانندگی که در تمام کشورهای جهان لازم الاجراست، می بینیم که باید در حاشیه هریک از خیابان های شلوغ محلی در نزدیکی یک مکان عمومی نظیر ایستگاه اتوبوس و تاکسی، جایگاهی برای پارک خودروهای معلولان پیش بینی شود. همچنین در پارکینگ های عمومی به خصوص پارکینگ ادارات و مراکز درمانی یا خرید محلی مخصوص پارک خودرو معلولان اختصاص یابد. این موضوعی است که دولت ها و مردم بسیاری از کشورها آن را قبول و اجرا کرده اند و با متخلفان برخورد قانونی و اجتماعی می کنند. از سوی دیگر نهادهای انجمن ها هم به دنبال راه حل ها و ایجاد طرح هایی هستند که بتواند در تأمین جای پارک قانونی به کمک معلولان بیاید. به عنوان مثال در اکثر شهرهای برزیل، چنانچه خودرویی در محل مخصوص معلولان پارک کند، پلیس بر که جریمه مخصوص آبی رنگی به طور الصافی برای راننده در نظر می گیرد چنین برنگه ای، علاوه بر جریمه نقدی، امتیازات منفی راننده را دو برابر می کند. در سوئد طرحی در حال بررسی است که در صورت اجرا، باعث می شود به محض ورود خودرویی معمولی به محل پارک معلولان، هلوگرامی سه بعدی از یک فرد معلول نشسته روی ویلچر ظاهر شود و به راننده گوشزد کند که آنجا نباید پارک کند.

در فلوریدای آمریکا نیز معلولان با نصب نرم افزاری روی گوشی تلفن همراه خود، قادرند تا ۴ ساعت جای پارکی را به صورت رایگان در شهر برای خود رزرو کنند.

ضرورت ایجاد می کند در کشور ما هم طرح هایی اجرا شود که در آن به حقوق شهروندی معلولین احترام گذاشته شود و مردم آگاهی پیدا کنند که با توقف در جایگاه معلولین چه مزاحمت هایی برای این قشر ایجاد می کنند و به چشم یک فرصت به این جایگاهها نگاه نکنند و مسئولین مربوطه نیز به صورت جدی با متخلفان برخورد کنند تا هر فردی که خودروی خود را در پارکینگ ویژه افراد دارای معلولیت پارک کرد، جریمه و ماشین او به پارکینگ منتقل شود.

یکی از این مناسب سازی های شهری که در برخی از خیابانهای اصلی و شلوغ شهر دیده می شود، جایگاه پارک خودروی معلولین است و طبق قانون، خودروی افراد غیر معلول، حق توقف در این جایگاه را ندارد. نصب تابلوهای حمل با جرتقیل و جابه جایی و انتقال خودروهایی که به صورت غیر قانونی و غیر مجاز در این محل ها پارک کرده اند از جمله اقداماتی است که پلیس وعده اجرای آن را به این دسته از شهروندان داده و حتی سال گذشته، مبلغ جریمه برای این تخلف، دو برابر شده است ولی متأسفانه این موارد، بازدارنده نبوده و یافتن جای پارک برای معلولین مشکلتر از قبل شده و این بی توجهی ها، این قشر را به دردمرسانانده است.

مهدی حاتم می یکی از معلولین یزدی در این باره می گوید: من هر باری که برای کارهای اداری در سطح شهر تردد دارم، وقتی به جایگاه پارک خودرو معلولین مراجعه می کنم باعث تأسف است که می بینم خودروها در دست در جایگاه معلولین پارک می کنند و هیچ کدام از خودروها هم پلاک معلول یا آرم معلولین ندارند و همه افراد عادی هستند.

حاتمی ادامه می دهد: واقعا برای ما معلولین و توانمندان سخت است که در خیابان های شلوغ که جای پارک نیست، دنبال جای پارک بگردیم و دیگر این که به نظرم این جایگاه ها هم در سطح شهر کم هستند و باید در اکثر خیابانها وجود داشته باشند و اگر این مکانها سقف دار بشوند، بسیار بهتر خواهد بود چرا که ما توانمندان نخاعی که در گرمای تابستان برای سوار یا پیاده شدن در آفتاب، مشکلات زیادی از جمله سوختگی شدید داریم.

وی در ادامه اضافه می کند: باید در این زمینه، فرهنگسازی درست انجام شود مگر استان ما به شهر دوستدار معلول شناخته نشده است، پس چرا ارگانهای دولتی از جمله صدا و سیما فرهنگسازی انجام نمی دهند؟ باید مسئولین، فرهنگ پارک نکردن خودرو در جایگاه معلولین را به گوش مردم برسانند.

حاتمی با اشاره به جایگاه ویژه معلولین در ورودی پارک ها، عنوان می کند: در ورودی بعضی از پارکها، شهرداری، جایگاه ویژه معلولین تعبیه کرده تا معلولین ضایعه نخاعی بتوانند با ویلچر وارد پارک شوند ولی متأسفانه خودروها و موتور سیکلت ها در دست مقابل این جایگاه پارک می کنند و مانع ورود افراد ویلچری به پارک می شوند.

وی در پایان می افزاید: از مردم با فرهنگ استان یزد تقاضا دارم که این فرهنگ را خودشان اجرا کنند و به هیچ وجه در جایگاه ویژه معلولین پارک نکنند حتی اگر جایگاه خالی باشد.

محمد رضا صادق پور یکی دیگر از معلولین یزدی است که در خصوص این جایگاهها می گوید: بارها برای من پیش آمده که می بینم جایگاه خودروی معلولین، به وسیله خودروهای دیگر اشغال شده بود و من مجبور شدم از توقف و انجام کارم منصرف شوم یا دوبله و خلاف پارک کنم و تبعات بعدی آن را بپذیرم.

وی ادامه می دهد: به گفته رئیس سازمان بهزیستی کشور حدود ۸۰۰ هزار نفر معلول شدید در کشور زندگی می کنند که حدود یک درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند. این افراد به دلیل معلولیت شدید، اکثرا قادر به استفاده از وسایل نقلیه عمومی یا موتورسیکلت نیستند و با خودروی ویژه که مناسب سازی شده، در شهر تردد می کنند ولی اگر نتوانند در جاهای تعبیه شده برای معلولین، توقف کنند، یا از انجام کارشان باز می مانند و یا مجبور می شوند در محلی دورتر توقف کنند که مراجعه به محل مورد نظر



چای چایخانه امام حسین (ع) مزه دیگری دارد

گزارشی از مراسم چایی بریزی و چایی بده مجلس روضه امام حسین(ع) در یزد

سمانه ملازینلی



روی حیاط فرش ها پهن شده اند، سقفه پوش کشیده شده است، صدای روضه خوان از بلندگو می آید و مردم بعد از نماز مغرب، کم کم به سمت خانه ای می آیند که با مهتابی سبزی که سر کوچه زده مردم را به مجلس امام حسین(ع) دعوت می کند. گوشه حیاط روی تخت بزرگی، سماور، قوری های بزرگ و تشت های استیل پر از استکان و نعلبکی به چشم می آید و این نشان می دهد که "چایی خانه" مجلس نیز به راه است. مجلس امام حسین را فقط روضه و هیاتش خواستی نمی کند، چایی خانه ای که در گوشه هر مجلسی به راه است آن جا را گرم نگه می دارد. مگر می شود کسی از درب مجلس روضه وارد شود، پای روضه خوان بنشیند و چای امام حسین را نخورده بیرون برود. در یزد همه می دانند که هر جا روضه ای برپا می شود، چایی بریز و چایی بده هم دارد. ردیف کردن بساط چایخانه و بودن در جایگاه چایی بریز و چایی بده آنقدر مهم است که هر کسی نمی تواند پای سماور بنشیند و چای بریزد یا همه کس نمی توانند تال ها را در دست بگیرند و به مردم چای بدهند، این کار بلدی می خواهد و باید سال ها در روضه ها و هیات ها نوکری امام حسین را کرده باشی تا تجربه کسب کنی و بتوانی چایی بریز و چایی بده ای مجلس امام حسین شوی. مثل حاج علی طیب که از بنیانگذاران هیات بعثت است و از وقتی یادش می آید در روضه ها استکان ورچیده (جمع کرده) و قند پای تال ریخته تا کم کم توانسته نام چای بده را از آن خودش کند. او که الان هشتاد سال سن دارد هنوز هم تا می تواند در روضه ها چای می دهد و خسته که شد گوشه ای می نشیند و مستمع روضه می شود.

حاج علی طیب، لب تخت کنار بساط چایخانه نشست است و از زمان قدیم می گوید که عشق این را داشته که در مجالس امام حسین چای بدهد؛ از وقتی خودم را شناختم دنبال کار امام حسین(ع) بودم، عشق این را داشتم که همراه مرحوم پدرم حاج حسن طیب که او هم چایی بده ای مجالس بود بروم و استکان ها را بشویم، آب جوش بیابم، قند پای تال بریزم و استکان ورچینم و خلاصه هر کاری بود انجام می دادم. دوست داشتم که من هم روزی بتوانم چای بده ای روضه امام حسین شوم، چون اینکار بلدی می خواهد، تجربه می خواهد. باید بتوانی چندین تال که حاوی استکان نعلبکی و قند است را روی دست بگیری و دور مجلس بچرخانی و جلوی مردم بگذاری، چایی بده ای امام حسین شدن کم چیزی نیست و قسمت هر کسی نمی شود. من نوکری امام حسین را کرده ام و هنوز هم می کنم.

چای روضه شفا می دهد

جمعیت هر لحظه بیشتر می شود و صدای تق استکان و نعلبکی ها با صدای روضه خوان همراه شده است. بو و عطر چای امام حسین در فضا پیچیده است، حاج علی طیب حواسش هست که کسانی که تازه وارد مجلس شده اند کجا نشستند تا چایی که چایی بریز ریخته است و چند جوان در تال گذاشته اند را بردارد، یکی یکی توی دست راستش جا بدهد و به سمت مردم برود، او آرام و با طمأنینه برمی گردد و دوباره لب تخت می نشیند و صحبت هایش را ادامه می دهد؛ هشت تال را در دست راست می گیرم و یکی در دست چپ و وارد جمعیت می شوم، باید حواسم باشد که چای جلوی تازه وارد مجلس بگذارم، برای چایی بده عیب است که شخصی وارد روضه شود و چای نخورده بیرون برود، در تمام عمری که چایی بده بوده ام کسی تا به حال از من ناراضی نبوده یا پشت سرم نگفته حاج علی طیب من را ندید یا چای امام حسین را جلویم نگذاشت. مردم بخاطر خوردن چای امام حسین

جوان مسئول شستن استکان ها پر کردن تال ها از قند و چین استکان نعلبکی در سینی هستند تا جلوی چایی بریز بگذارند. چایی بریز مجلس، علی بمان امراللهی بیوکی است، مردی ۵۸ ساله که او هم از کودکی به عشق امام حسین(ع) در مجالس استکان ورچیده و شسته ... تا چایی بریز روضه ها و مجالس شده و حالا سال هاست که پای سماور می نشیند و کارش را با تجربه انجام می دهد. او نیز می گوید: یادم می آید که از پنج سالگی به مسجد نزدیک خانه امان می رفتم و اول یکی یکی استکان ها را جمع می کردم بعد دوتا دوتا استکان ها را برمی داشتم و کم کم یاد گرفتم که راه و رسم چایی ریختن و چای دادن در مراسم چیست. چایی بریز باید برای روضه ای که در خانه است نیم ساعت زودتر از شروع مراسم، به مجلس بیاید و بساط چایخانه را راه بیندازد. برای حسینیه یک ساعت زودتر باید اینکار را انجام بدهد، چایی روضه اصول خودش را دارد مهم است که چای خوب دم کشیده باشد، قوری چایی باشد که چای نجوشد، زیاد چای دم نکنیم که اصراف شود و بماند.

چایی بریز مجلس، استکان ها را از چای پر می کند، قوری بزرگی که یکی از جوان ها شسته و آورده را زیر سماور می گیرد تا چای تازه دم کند. او از اصول چایی بریزی هم حرف می زند و می گوید: شاید مردم فکر کنند چایی ریختن کاری ندارد و فقط باید بیابند پای سماور بنشینند، نه اینطور نیست. چایی بریز باید آنقدر تجربه داشته باشد که چای را نه کم رنگ بریزد و نه پررنگ، نه استکان را لبریز از چای کند و نه سرش را خالی بگذارد. اینکه چقدر چایی دم کند نیز مهم است. من مراسمی که می روم می پرسم که چند تا آخوند و مداح دارند هر چه تعداد آن ها بیشتر باشد پس باید چای بیشتری دم کنم. باز هم، شب اول روضه فقط یک قوری بزرگ چای دم می کنم تا جمعیتی که می آیند دستم بیاید و زیاد که شدند قوری دیگری دم می گذارم. این کار هم تجربه می خواهد و هم عشق. باید دوست داشته باشی تا بیایی و من هم خودم دوست داشتم و هم سه تا پسرهایم نیز چایی بده و چایی بریز مجالس امام حسین(ع) شده اند که باعث افتخار من است.

باد برگ درختان را تکان می دهد، مردم می آیند و فرش ها کم کم پر می شود و دیگر گلی از فرش معلوم نیست، جلوی همه یک تال گذاشته شده است تالی که اگر گذرا نگاهش کنی فقط استکان چای و چند قند در آن می بینی اما وقتی به آن خیره شوی عشقی در آن دیده می شود عشق چایی بریز و چایی بده ای مجلس که با زحمتی که سالیان سال است می کشند، می گویند

ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم

ای بی خیر ز لذت شرب مدام ما

است که به روضه می آیند، فقط نمی آیند که بنشینند و به روضه گوش کنند، چای روضه را شفا دهنده می دانند، چای چایخانه امام حسین مزه ی دیگری دارد با بقیه ی چایی ها فرق می کند و گرنه که در خانه همه چای هست، مردم می آیند تا چای روضه را بخورند و کیف کنند.

حاج علی طیب با اینکه عصا دارد و پایش در تصادف آسیب دیده است باز خود را ملزم می داند که هنگامی که جوان ها و کودکان علاقه مند، قند پای تال ها ریختند و استکان ها را شسته و آماده کردند، استکان های پر از چای را از توی سینی بردارد و توی تال بگذارد و دوباره راهی جمعیت شود.

جوان ترها استکان ها را در مجلس ورمی چینند که حاج علی طیب نگاهشان می کند، بعضی که راه گلپوش را گرفته با شروع صحبت هایش می ترکد و او با اشک هایی که روی صورت پر چین و چروکش می ریزد می گوید: کیف می کنم که نوکری امام حسین(ع) را کرده و می کنم نمی دانید چه لذتی دارد که در روضه امام حسین با عشق کاری انجام دهی، به حضرت عباس قسم می خورم که کیف می کنم، نوازده بار به کربلا رفته ام، اگر نوکری امام حسین را نکرده بودم من را دعوت می کرد که به پابوسش بروم؟

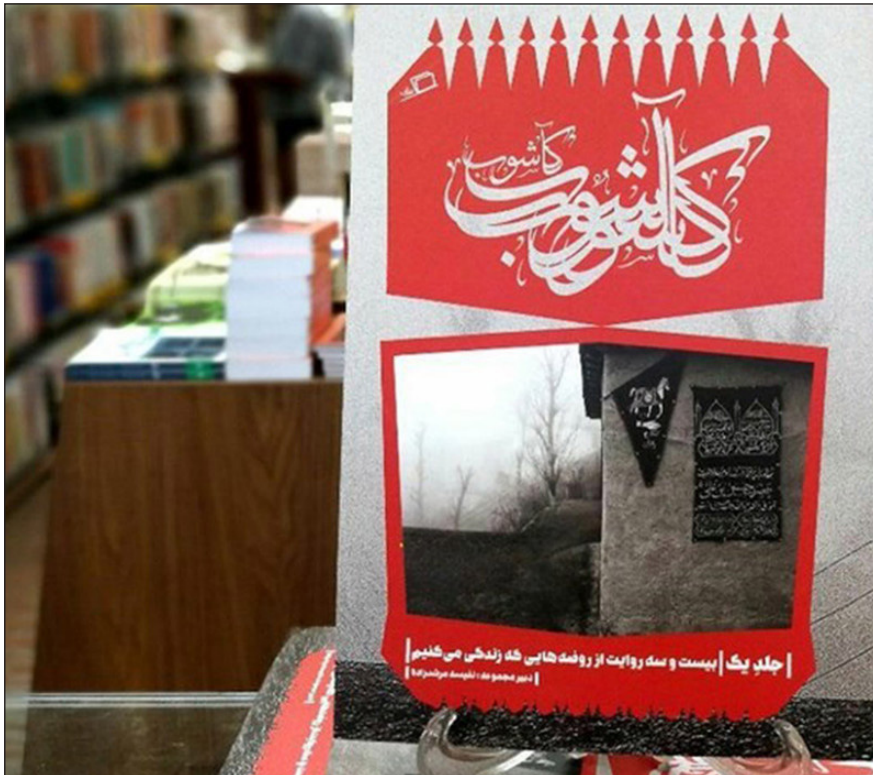
چایی بریز

سینی بزرگ جلوی سماور روی گردون گذاشته شده است و با یک اشاره دست توسط چایی بریز می چرخد و استکان های خالی جلوی چایی بریز قرار می گیرد. چایی بریز، صافی را روی استکان می گیرد و با دست دیگرش قوری بزرگ چایی را بالا می برد و چای خوشرنگ توی استکان کوچک ریخته می شود. سه قوری دیگر روی منقل کنار پای چای بریز به چشم می آید و دو کتری بزرگ کنار سماور روی گاز شعله ای کوچک در حال جوشیدن است. روی تخت پر از استکان و نعلبکی، قند، نبات و تال است و چند کودک و



روایت یک کاشوب

فاطمه کول



نشر اطراف از سال ۹۶ امکانی تازه برای خواندن درباره جهانی از آدم‌ها فراهم کرد که ده شب از هر سال زندگی‌شان به اصالت حسین معنا می‌گیرد. آدم‌هایی که لزوماً در تعریف سنتی از روایت‌گران حسین و واقعه کربلا نمی‌گنجد اما در مجموعه «کاشوب» فرصت نوشتن از حسینی که من‌شان پیدا کرده یا در جست‌وجویش است یافته‌اند.

این مجموعه جذابی دارد که از فاصله‌گذاری با کلان روایت‌ها نشئت می‌گیرد. آن کلان روایت‌هایی که لیونار آن‌ها را ضامن رمز گشایی از همه اتفاقات جهان سنتی می‌دانست و جایگاه‌شان را در جهان پسمال، که خود را با خرده روایت‌ها تعریف می‌کند، منزلزل می‌دید، جایگاهی در این مجموعه ندارند و برای همین با طیف گسترده‌ای از آدم‌های این ده شب، من جمله خود من، که گوشه‌نشین مجالس و سینه‌زن غیرحرفه‌ای حسین هستیم ارتباط برقرار می‌کند. از عاشقان سینه‌سوخته حسین گرفته تا پرسشگران علاقه‌مند، تا آدم‌هایی که کنجکاوند از دور نگاهی به این ده شب کنند، ممکن است سری به مجموعه «کاشوب» بزنند. در این سال‌ها نقدهایی به این مجموعه شده و جان کلام پاسخی که به بیشتر آن‌ها داده شده، و من هم کم‌وبیش با آن موافقم، این است که این مجموعه، بیش از هر چیز، بازتاب‌دهنده نسبت شخصی من‌های روایت‌گران است با حسینی که فهم کرده‌اند، اما همه خوانندگان نامتشابه «کاشوب» برای خواندن در مورد حسین و آدم‌هایی که زیست خودشان نه، تجربیات خودشان نه، که نسبت‌شان با حسین مطرح است به سراغ این مجموعه می‌آیند. در واقع برای مخاطب نقطه ثابت پرگار واقع‌های است که از قضای شباهت به قضاوت‌های تاریخی دیگر نیست اما حسینی دارد که به این ده شب، به این جهان معنایی متفاوت می‌دهد.

تصویرگر حسین در هزار تکه آینه

خواندن از مواجهه‌های شخصی با روضه برای من مثل امکان تماشای عزاداری‌های معروف تکیه‌های یزدی از بالکن جایگاه توریست‌های غربی بود. مشابه هزاران هزار دیگر، من همیشه در بطن مراسم، گوشه‌ای شاید، اما در بطن نوحه‌ها و سخنرانی‌ها و اشک ریختن‌ها بودم. «کاشوب» دست مخاطبین را گرفت برد بالای آن بالکن مشهور و گذاشت از بالا نگاه کنیم به جوری که آدم‌های مختلف عزاداری را فهم کرده بودند. آن بالا خبری از صدای کلان روایت کرامات، آداب صحیح

حالا مجموعه‌ی کاشوب پس از «زان تشنگان»، «رستخیز» و «کاشوب» و «هیده» به «مهمان‌گاه» رسیده است. «مهمان‌گاه» پنجمین کتاب از مجموعه‌ی «کاشوب» است. در این کتاب پانزده نفر از عاشق‌وراهایی نوشته‌اند که بر آن‌ها گذشته است. از دریافت‌ها و خاطرات‌شان از محرم‌های دور و نزدیک و اندوه هر ساله در همین کوچه‌ها و خانه‌های دور و بر. نویسندگان این روایت‌ها خاطرات دور و نزدیک زندگی‌شان را جستجو کرده‌اند تا آستانه‌ای را بیابند که بعد از آن برای همیشه به شور محرم پیوند خورده‌اند. آمیختن طعم و لحن این خرده‌روایت‌های شخصی، روایت فراگیرتری آفریده که هویتی مستقل از اجزای خودش دارد. کنار هم چیدن این صداهای فردی به گزارش یک پدیده تبدیل شده؛ روایت یک کاشوب.

عزاداری برای حسین، طرز شایسته مخاطب قرار دادن حسین، اصلا تصویر درست و به حق از حسین نبود. «کاشوب» اجازه داد از آن بالا روضه‌های شخصی را بشنویم و به هفتاد و یک فهم مختلف از رابطه با نقطه ثابت پرگار برسیم. بعضی از روایت البته جذبه‌های سنگین داشت و تا چشم باز می‌کردیم می‌دیدیم وسط روضه‌ایم، تماشا تمام شده بود. به جان تفتیده و گریبان عزا رسیده بودیم. در نهایت، از بالای بالکن، صدای آکو شده صداها دست که به صداها سینه می‌خورد، نوحه‌ای که به هر گوش زنگی متفاوت دارد، تصویر نهایی حسین است که به صد نقش، اصالت بخش تمام رنگ‌ها و قلم‌موها و نگارگران است. برای ما خوانندگان هم در نهایت بیست و چند روایت در هر کتاب تصویرگر حسین است در هزار تکه آینه.

روزی به نام ادبیات نوپای کودک

ادامه از سرمقاله

متنوع‌تر، همچنین تربیت و پرورش مربیانی که با شیوه‌های خلاق و جذاب، کودک را به کتابخوانی ترغیب کنند؛ جمله راهکارهای رونق دادن به این حوزه مظلوم و در عین حال جذاب است.

تحقیقات و پژوهش گسترده است. مستقل شدن رشته ادبیات کودک در دانشگاه‌ها، می‌تواند این ضعف پژوهشی را برطرف کند همچنین گسترش کتابخانه‌های مخصوص کودکان و نوجوانان و ارائه کتاب‌های

ادبیات کودک در کشور، مانند یک کودک نویاست که هنوز راه زیادی در پیش دارد تا پرورش یابد. شناخت کودکان و خلق ادبیات خلاق، جذاب و متناسب با ذهن، زبان، فکر و روحیات آنان، نیازمند

جامعه معلولین استان یزد

جهت رفاه و آسایش حال همشهریان و سایل زیر را به صورت امانی و فروش در اختیار این عزیزان قرار می‌دهد

تشک مواج، انواع تخت، ویلچر، انواع عصا، کپسول اکسیژن، دوچرخه ثابت، برانکار، مانکی بار، تیلت تیبل

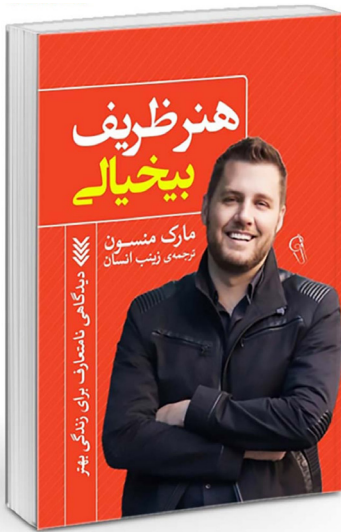
خیابان شهید رجایی، کوچه پاپلی، پلاک ۵۷ تلفن: ۳۶۲۲۴۴۳۵-۳۶۲۷۰۲۷۴

با ما باشید
 پل ارتباطی شما و آوای رسا
 با سامانه پیامک کوتاه:
 ۳۰۰۰۱۴۹۴۰۰۰۰۴۲ maloolin_swo@yahoo.com
 پست الکترونیک: ۳۶۲۷۰۲۷۴
 طراحی و صفحه آرا: فرشاد فیضی
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 آدرس: یزد، خیابان شهید رجایی (ایران شهر) کوچه پاپلی پلاک ۵۷ جامعه معلولین استان یزد
 تلفن: ۳۶۲۷۰۲۷۴
 صاحب امتیاز: جامعه معلولین یزد
 مدیر مسوول: جلیل باقری انابک
 سردبیر: سمانه ملازینلی
 شناسنامه { ماهنامه فرهنگی اجتماعی آوای رسا }

بعضی چیزها در جهان خیلی مهم تر از دارایی هستند، یکی از آن ها توانایی خوش بودن با چیزهای ساده است. دلیل کارنگی

هنر ظریف بی خیالی

معرفی کتاب



متعددی (علوم مالی، روابط بین الملل و...) گذاشت که نتایج موفقیت باری را هم برای او به ارمغان نیاوردند! مثلاً در سال ۲۰۰۷ از دانشگاه بوستون آمریکا در رشته‌ی علوم مالی فارغ‌التحصیل شد. این رشته برای او چندان موفقیتی به همراه نیاورد و خودش هم خیلی خوب می‌دانست که در دنیای علوم مالی فرد موفق نخواهد بود.
 به این شکل بود که مارک به مرور صدای خودش را در نوشته‌هایش پیدا کرد و آموزش به افراد را برای کسب درآمد انتخاب کرد. بنابراین مارک هیچوقت تبدیل به یک بلاگر تبلیغاتچی نشد و به گفته‌ی خودش هرگز هم نخواهد شد.
 مارک منسون وبلاگ‌نویس و نویسنده‌ی محبوب سبک خودسازی است که با انتشار کتاب‌هایی چون «هنر ظریف بی خیالی» و «همه چیز به فنا رفته» به شهرت جهانی رسید. او توانست با نوشتن آثاری بسیار جذاب، به محبوبیتی مثال‌زدنی دست یابد. مطابق آمار مجله نیویورک تایمز، مارک منسن عنوان پرفروش‌ترین نویسنده را از این مجله دریافت کرده است. همچنین کتاب‌های مارک به بیش از ۶۵ زبان ترجمه شده و فروش بیش از ۱۴ میلیون نسخه را در ۲۰ کشور به همراه داشته است.

موضوع کتاب هنر ظریف بی خیالی به نوعی مقابله با کتاب‌های رایج خودیاری و مخالفت با این تفکر که همه چیز به خودتان بستگی دارد است. او از این حرف می‌زند که این تفکر باعث می‌شود هیچ گاه نتوانید زندگی شادی داشته باشید و همواره خودتان را سرزنش می‌کنید. او می‌گوید باید این واقعیت را بپذیرید که همه فوق‌العاده نیستند و همه قرار نیست تبدیل به غول‌های حوزه‌های خود شوند. منسون راحت‌ترین راه یک زندگی راحت را این می‌داند که باور کنید محدودیت دارید و قدر داشته‌هایتان را بدانید. این گونه قدر تلاشتان در زندگی را بیشتر خواهید دانست و سلامت روانی بیشتری خواهید داشت. منسون با لحنی کتابش را نوشته است که گاهی انتظارش را ندارد؛ اما باعث شده اثرگذاری بیشتری داشته باشد. هنر ظریف بی خیالی از آن دسته کتاب‌هایی است که اگر خواندنش را شروع کنید به این سادگی آن را زمین نخواهید گذاشت.

درباره نویسنده

مارک منسون در ۹ مارس ۱۹۸۴ متولد شد و در آستن تگزاس پرورش پیدا کرد. او در نوجوانی و اوایل جوانی مثل خیلی از آدم‌ها در این دنیا از ابتدا نمی‌دانست که چه استعداد و علاقه‌مندی‌هایی دارد، بنابراین پا به رشته‌های

نیمکت

گزارش تصویری

مراسم تعزیه هیات عزاداری معلولین دنیای خاص در حسینیه امیرچقماق یزد (کارگاه حمایتی معلولین ذهنی دنیای خاص)



همراه با جایزه

مسابقه پیامکی

اولین صندلی چرخدار الکتریکی توسط چه کسی اختراع شد؟

(۱) جان داوسون (۲) جورج کلین (۳) هری جیننگز (۴) جان دانگو

لطفا عدد گزینه مورد نظر و نام خود را به شماره ۰۹۱۳۵۱۳۴۱۴۴ ارسال کنید

پاسخ سوال شماره اردیبهشت ماه: تندیس بهترین بازیگر پنجمین جشنواره فیلم پرواز به شب‌نم دادخواه برای بازی در فیلم برای بار دوم تعلق گرفت

برنده مسابقه پیامکی شماره اردیبهشت ماه: آقای حسین زارع زاده با شماره ۷۷۵۶***۹۱۴ برنده مسابقه پیامکی شماره قبل جهت دریافت جایزه به دفتر جامعه معلولین مراجعه کنند